

بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی با سرخوردگی زناشویی در زوجین

سمانه کوهی^{۱*}، عذرا اعتمادی^۲، مریم فاتحی زاده^۳

۱- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

samaneh.koochi@yahoo.com

۲- استادیار مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

etemadiozra@yahoo.com

۳- دانشیار مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

Fatehizade@gmail.com

چکیده

سرخوردگی زناشویی، کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی است که شامل کاهش توجه نسبت به همسر، بیگانگی عاطفی و افزایش نوعی احساس بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی نسبت به همسر است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی با سرخوردگی زناشویی بود. روش پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه زوجین ساکن شهر اصفهان در سال ۸۸ بودند که حداقل سه سال از ازدواج آن‌ها گذشته باشد. نمونه پژوهش ۲۰۰ نفر (۱۰۰ زن و ۱۰۰ شوهر) بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از نواحی مختلف شهر اصفهان انتخاب شدند. فرضیه پژوهش عبارت بود از: ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روانی و عوامل زمینه‌ای، سرخوردگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش مقیاس سرخوردگی زناشویی، پرسشنامه پنج عاملی شخصیت (فرم کوتاه)، پرسشنامه سلامت عمومی و پرسشنامه عوامل زمینه‌ای بودند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین سرخوردگی زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی در ابعاد برون‌گرایی و توافق‌پذیری رابطه مثبت معناداری ($R_2=0/13$ ، $R=0/36$ ، $P<0/01$) وجود داشت. بین سرخوردگی زناشویی و سلامت روانی در عامل اضطراب رابطه مثبت معناداری ($R_2=0/10$ ، $R=0/32$ ، $P<0/01$) وجود داشت. بین سرخوردگی زناشویی و عوامل زمینه‌ای در متغیرهای مدت ازدواج و وضعیت اقتصادی رابطه مثبت معناداری ($R_2=0/10$ ، $R=0/32$ ، $P<0/01$) وجود داشت. در پایان، براساس نتایج تحقیق پیشنهادهایی برای کاهش سرخوردگی زناشویی زوجین ارائه گردید.

واژه‌های کلیدی: سرخوردگی زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روانی، عوامل زمینه‌ای.

مقدمه

هنگامی که یک ازدواج هنوز در مراحل اولیه است، پیش‌بینی "شکست در عشق" به نظر غیرممکن می‌رسد. جدایی پیوند عاطفی معمولاً ناگهانی اتفاق نمی‌افتد، اما اغلب ماه‌ها یا سال‌ها، نارضایتی در ارتباط وجود دارد. بیشتر افراد انتظار دارند که ازدواجی عشق محور داشته باشند. آن‌ها علاقه‌مندند، همسری انتخاب و تا آخر عمر با وی زندگی کنند.

تفاهم و توافق با همسر، رضایتمندی از زندگی و داشتن زندگی مشترک، استوار و محکم، از دیگر خواسته‌های کسانی است که می‌خواهند ازدواج کنند، اما هنگامی که زندگی زناشویی آن‌گونه که افراد توقع دارند، پیش نمی‌رود، اکثر زوج‌ها به حالتی از ناباوری می‌رسند. پس میان شروع یک ازدواج پر از عشق، امید و توجه و جایی که از خود بیگانگی و اختلاف شروع می‌شود، چه چیزی اتفاق می‌افتد؟ سرخوردگی زناشویی^۱، کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی است که شامل کاهش توجه نسبت به همسر، بیگانگی عاطفی و افزایش یک نوع احساس بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی نسبت به همسر است. سرخوردگی به معنای جایگزین شدن عواطف خنثی به جای عواطف مثبت است. بنابراین، برای اینکه سرخوردگی اتفاق افتد، فرض می‌شود که مجموعه‌ای احساسات و عواطف مثبت در شروع رابطه وجود داشته است. زوجین سرخورده احساس عشق و علاقه داشته‌اند، اما این احساس مدت‌هاست که مرده است. مفهوم سرخوردگی به‌طور خاص به حالت عاطفی ازدواج (احساس علاقه، توجه و عاطفه نسبت به همسر)

اشاره می‌کند، نه به رفتارهای واقعی همسر. زوجین ممکن است در میزان سرخوردگی زناشویی‌شان متفاوت از یکدیگر باشند. در بعضی موارد دوطرف سرخوردگی را تجربه می‌کنند، در حالی که در موارد دیگر سرخوردگی تنها در مورد یک فرد است، در حالی که طرف مقابل علاقه مند به اوست. در یک ازدواج سرخورده احساسات منفی مانند آسیب و خشم رو به افزایش است تا این که به یک حالت سردی منجر می‌شود (کایزر، ۱۹۹۳).

بنابراین، هنگامی که زوجین دچار سرخوردگی می‌شوند، موارد زیر در روابطشان مشاهده می‌گردد:

۱- افزایش احساس «گسستگی» و دور شدن از همسر (مثل فاصله گرفتن از او، سردی، یا انزجار نسبت به او).

۲- حرکت به سمت زندگی کردن به روش خود، همراه با کاهش مشارکت در فعالیت‌ها، کاهش علائق و کاهش ارتباط با همسر.

۳- ترس هر دو زوج یا یکی از آن‌ها از این‌که تخریب رابطه تا نقطه طلاق یا جدایی پیش برود.

۴- وجود مشاجره یا ایجاد فاصله‌ای که در پی شکست زوجین برای برقراری پیوند ارتباطی به‌وجود آمده است.

۵- اشکال در طرح‌ریزی برای آینده به علت بروز بحث یا وجود فاصله در روابط و برنامه‌ریزی اندک در مورد فعالیت‌های آتی.

۶- انتظاراتی از خود، همسر یا روابط که به نتایج منفی همچون محرومیت، ناامیدی، افسردگی، اضطراب و خشم منجر می‌شود (کیمیایی و باقریان‌نژاد، ۱۳۸۴).

¹ marital disaffection

سرخوردگی شاخص احساس علاقه همسران نسبت به یکدیگر است. سرخوردگی در مورد کیفیت ارتباط متقابل زوجین، سبک‌های ارتباطی آن‌ها، شیوه‌های حل مسأله، سطح تعهد و... چیزی به ما نمی‌گوید، اما این مسائل جنبه‌هایی از ازدواجند که احتمالاً اثرگذار یا تحت تاثیر سرخوردگی زوجین هستند. تجربه سرخوردگی تاثیر یکسانی بر زوجین ندارد، در بعضی از زوجین به طلاق منجر خواهد شد، عده‌ای باقی ماندن در ازدواج را انتخاب می‌کنند، حتی اگر علاقه زیادی نسبت به همسرشان نداشته باشند و عده‌ای هم در جهت بهبود ارتباط و کاهش سرخوردگی اقدام می‌کنند (کایزر^۶، ۱۹۹۳). کرستن^۷ و کایزر (۱۹۸۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در میان عوامل مؤثر بر سرخوردگی، چهار عامل بیشترین تاثیر را بر سرخوردگی دارند که شامل: ۱- شیوه‌های نامناسب حل تعارض؛ ۲- وجود یک همسر کنترل‌گر؛ ۳- اسنادهای مکرر همسر برای مشکلات زناشویی و ۴- فقدان صمیمیت عاطفی است. بسیاری از ازدواج‌ها با کیفیت پایین، سالم باقی می‌مانند؛ هر چند سرخوردگی زناشویی معمولاً بی‌ثباتی زناشویی^۸ را ایجاد می‌کند که متمایل به انحلال ازدواج است، با این حال، انحلال ممکن است نتیجه نهایی نباشد.

پژوهش‌های فراوان نشان داده‌اند که انسان‌ها گرایش به انتخاب همسری شبیه به خود را دارند و ویژگی‌های شخصیتی هر فرد وی را به سمت انتخاب فرد خاصی سوق می‌دهد (مید^۹، ۲۰۰۵). شخصیت در

برای درک روشن‌تر از سرخوردگی زناشویی مهم است که آن را از دیگر مفاهیم مشابه متمایز کرد. این حالات ممکن است بر سرخوردگی زناشویی تأثیرگذار باشند یا تحت تأثیر آن قرار گیرند.

نارضایتی زناشویی^۱ به درجه پایینی از سازگاری یا ناکامی در یک رابطه اشاره می‌کند و مطمئناً زوجینی که سرخوردگی را تجربه می‌کنند، نارضایتی را به همراه دارند، اما نارضایتی از نظر ارتباطی می‌تواند زودگذر و موقتی باشد و همزمان با آن احساس علاقه وجود دارد (بوت و همکاران^۲، ۱۹۸۳). سرخوردگی عدم حضور عشق است که معمولاً پس از تجمع نارضایتی‌ها در ازدواج اتفاق می‌افتد. واژه شکست زناشویی^۳، کاهش در جذابیت رابطه، آشفته‌گی احساسات در رابطه، اختلال در انتقال آن‌ها و مواردی از این قبیل را توصیف می‌کند، اما لزوماً شاخص کاهش درجه عشق و عاطفه نسبت به همسر نیست (داک^۴، ۱۹۸۱). انحلال در ازدواج^۵ شامل پایان یا قطع همیشگی یک ارتباط است و معمولاً شامل اقداماتی قانونی برای طلاق یا جدایی دائمی است. سرخوردگی به این معنا نیست که زوجین می‌خواهند ازدواجشان منحل شود؛ بسیاری از ازدواج‌ها با کیفیت پایین سالم باقی می‌مانند. هر چند سرخوردگی زناشویی معمولاً بی‌ثباتی زناشویی را ایجاد می‌کند که متمایل به انحلال ازدواج است، با این حال، ممکن است انحلال نتیجه نهایی نباشد.

⁶ Kayser

⁷ Kersten

⁸ marital instability

⁹ Mead

¹ marital dissatisfaction

² Booth & etal

³ marital breackdown

⁴ Duck

⁵ marital dissolution

یافته‌های کایزر (۱۹۹۳) نشان داد که در مقایسه زوجین سرخورده و غیر سرخورده، زوجین سرخورده احتمالاً درجه پایین‌تری از بهزیستی روانی را دارند. عوامل زمینه‌ای نیز در بروز مشکلاتی در زندگی زناشویی تاثیرگذار هستند. بهرامی (۱۳۸۰) عوامل مؤثر بر ناسازگاری زناشویی را شامل عدم تناسب سنی، ازدواج در سنین پایین، ناباروری، ناتوانی جنسی و فقر اقتصادی می‌داند. هنری و میلر^۸ (۲۰۰۴) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مسائل مربوط به فرزندان با فراوانی ۲۳/۶ درصد از رایجترین مشکلات زوجین است. با توجه به آنچه ذکر گردید، نظر به پیامدهای سرخوردگی در زندگی زناشویی و بالا رفتن میزان طلاق در جامعه، برای حفظ سلامت و بهداشت روانی زوجین و در نتیجه جامعه، در این پژوهش سعی بر آن است تا برای بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی با سرخوردگی در ازدواج گامی برداشته شود، چه بسا با شناخت این مسأله بتوان راهکارهای سودمندتری در جهت پیشگیری و کاهش سرخوردگی و افزایش رضایتمندی در زندگی زناشویی ارائه کرد.

فرضیه‌ها

- ۱- ویژگی‌های شخصیتی با سرخوردگی زناشویی زوجین رابطه دارد.
- ۲- سلامت روان با سرخوردگی زناشویی زوجین رابطه دارد.
- ۳- عوامل زمینه‌ای (جنسیت، سن، میزان تحصیلات، مدت ازدواج، وضعیت اقتصادی، وضعیت اشتغال،

در "زیر بنای روان شناختی" روابط پایدار سهیم است و بنابراین، پیش‌بینی کننده‌ای کلیدی برای روابط موفق یا ناکارآمد است (هوستون و هاوتس^۱، ۱۹۹۸). گاتمن^۲ (۱۹۹۳)، کارنی و برادبوری^۳ برادبوری^۳ (۱۹۹۷) معتقدند برخی ویژگی‌های شخصیتی مانند روان‌رنجوری، آسیب‌پذیری‌های پایداری را در روابط زناشویی به وجود می‌آورند و احتمال بروز طلاق را افزایش می‌دهند. پژوهش واتسون و همکاران^۴ (۲۰۰۰) نشان داد که توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی با رضایتمندی زناشویی همبستگی مثبت دارد. در پژوهش عبدالله‌زاده (۱۳۸۲) بین ویژگی‌های برون‌گرایی، تجربه‌گرایی و وظیفه‌شناسی با رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و بین روان‌رنجوری و رضایتمندی زناشویی رابطه منفی وجود داشته است. دونلان و همکاران^۵ (۲۰۰۴) در پژوهش خود دریافتند که روان‌رنجوری همبستگی مثبت با تعاملات منفی دارد و توافق‌پذیری و تجربه‌گرایی همبستگی منفی با تعاملات منفی دارند.

علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روانی نیز یکی دیگر از مواردی است که باعث بروز مشکلاتی در زندگی زناشویی می‌شود. لاندبلاد و همکاران^۶ (۲۰۰۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که سلامت روانی و سلامت جسمانی هر دو با وضعیت زندگی زناشویی ارتباط دارند. ویسمن و همکاران^۷ (۲۰۰۷) در پژوهشی نشان دادند که برخی از اختلالات روانی با مشکلات زناشویی ارتباط دارند.

¹ Huston & Houts

² Gottman

³ Karney & Bradbury

⁴ Watson & etal

⁵ Donnellan & etal

⁶ Lundblad & etal

⁷ Whisman & etal

⁸ Henry & Miller

تعداد فرزندان، وضعیت خویشاوندی و نوع ازدواج) با سرخوردگی زناشویی زوجین رابطه دارد.

روش پژوهش

از آنجا که هدف این پژوهش بررسی عوامل پیش‌بینی کننده سرخوردگی زناشویی است، فرآیند پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. با توجه به این که جامعه آماری این پژوهش را کلیه زوجین شهر اصفهان در سال ۸۸ تشکیل می‌دادند که حداقل ۳ سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود، نمونه مورد نظر در این پژوهش ۲۰۰ نفر (۱۰۰ زن و ۱۰۰ شوهر) از زوجین شهر اصفهان بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از نواحی مختلف شهر اصفهان انتخاب شدند؛ به این صورت که در ابتدا شهر اصفهان به پنج ناحیه شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب تقسیم شد و سه ناحیه (شمال، مرکز و جنوب) به صورت تصادفی انتخاب و سپس در هر ناحیه یک مرکز فرهنگی - تفریحی به صورت تصادفی برگزیده شد و پرسشنامه‌ها در اختیار زوجین قرار گرفت. نحوه توزیع پرسشنامه‌ها به این صورت بود که در ابتدا تعداد ۲۴۰ پرسشنامه (در هر ناحیه ۸۰ پرسشنامه) توزیع شد و در نهایت ۲۰۰ پرسشنامه به صورت تکمیل شده دریافت گردید. در این پژوهش، داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS-15 تحلیل شد و از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و واریانس) و آمار استنباطی (همبستگی پیرسون، رگرسیون چند گانه گام به گام) برای آزمودن فرضیه‌ها استفاده گردید.

ابزارهای پژوهش، مقیاس سرخوردگی زناشویی^۱ بود. این مقیاس توسط کارن کایزر (۱۹۹۳) تهیه شد. این پرسشنامه دارای ۲۱ سؤال است و برای ارزیابی سطح سرخوردگی یا نبود عواطف نسبت به همسر به کار می‌رود. این پرسشنامه شامل سه بعد است: دلبستگی^۲، بیگانگی هیجانی^۳ و حمایت هیجانی^۴. دامنه نمره‌های این مقیاس از ۲۱ تا ۸۴ است و دارای طیف لیکرت "بسیار درست" تا "نادرست" است. نمره فرد از طریق جمع نمره‌های گزینه‌ها به دست می‌آید. این پرسشنامه همبستگی مثبت معناداری با پرسشنامه سرخوردگی اشنایدر و رگتس^۵ (۱۹۸۲) نشان داد ($r=0/93$). کایزر (۱۹۹۳) برای بررسی روایی بین پرسشنامه سرخوردگی زناشویی و پرسشنامه‌های شادی زناشویی و صمیمیت زناشویی همبستگی منفی ($p < 0/001$)، $r = -0/56$ به دست آورد. در سال ۲۰۰۰ تحقیق دیگری توسط راینسون و همکاران صورت گرفت که به بررسی اعتبار وابسته به ملاک مقیاس سرخوردگی زناشویی برای سنجش بیگانگی زناشویی پرداخت. در این پژوهش، مقیاس سرخوردگی زناشویی همراه با اندازه‌گیری احساسات مثبت نسبت به همسر، مشکلات رفتاری سوء مصرف همسر، رفتار اعتیاد به کار همسر و وضعیت اجتماعی زوجین بر روی ۳۲۳ عضو مؤنث انجمن مشاوره آمریکا اجرا شد. نمره‌های مقیاس سرخوردگی زناشویی، همبستگی‌های معکوس قابل توجهی را با احساسات

¹ marital Disaffection Scale

² attachment

³ emotional estrangement

⁴ emotional support

⁵ Regts

مذکور از روش بازآزمایی استفاده شد که ضریب همبستگی بین دو اجرای آزمون بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۶ به دست آمد. ضریب حاصل از همسانی درونی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ بین ۰/۵۴ تا ۰/۷۹ به دست آمد.

پرسشنامه سلامت عمومی^۲ توسط گلدبرگ در دهه ۱۹۷۰ ابداع شده است. پرسشنامه سلامت عمومی ۲۸ سؤالی به صورت چهار گزینه‌ای است. این پرسشنامه چهار خرده مقیاس ۷ سؤالی دارد که به ترتیب نشانه‌های جسمانی، اضطراب، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی را می‌سنجد (گلدبرگ و هیلر، ۱۹۷۹). بهترین و مناسبترین روش نمره گذاری استفاده از مدل لیکرت است، که نمره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ به ترتیب از راست به چپ برای گزینه‌های سؤال‌های پرسشنامه بر گزیده شده است.

مولوی (۲۰۰۴)، با اجرای این آزمون بر روی ۱۱۶ دانشجوی ایرانی و تحلیل عوامل سؤال‌ها به آلفای کرونباخ ۰/۹۱ برای این پرسشنامه دست یافت. یعقوبی (۱۳۷۴) در رواسازی این آزمون بر روی ۶۲۵ نفر از ساکنان مناطق شهری و روستایی صومعه سرا، با روش نمره‌گذاری ساده لیکرت حساسیت و ویژگی این آزمون را در بهترین نقطه برش ۲۳، به ترتیب برابر با ۰/۸۶/۵ و ۰/۸۲ گزارش نموده است.

پرسشنامه دیگر در این پژوهش، پرسشنامه عوامل زمینه‌ای است که به منظور ارزیابی آزمودنی‌ها در ویژگی‌های سن، جنسیت، سن ازدواج، مدت ازدواج، تعداد فرزندان، وضعیت اقتصادی، وضعیت اشتغال، میزان تحصیلات، وضعیت خویشاوندی، نوع ازدواج

مثبت نسبت به همسر ($r = -0/94$) و با وضعیت اجتماعی زناشویی ($r = -0/63$) نشان داد. نمرات مقیاس سرخوردگی همچنین رابطه مثبت معناداری را با مشکلات رفتاری سوء مصرف زوجین ($r = 0/36$) و با رفتار اعتیاد به کار همسر ($r = 0/48$) نشان داد.

همچنین، کایزر (۱۹۹۳) همسانی درونی این ابزار را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۷ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ کل سؤال‌ها ۰/۸۸ به دست آمد.

پرسشنامه پنج عاملی بزرگ^۱ (کاستا و مک کرا، ۱۹۸۹) ۲۴۰ ماده دارد و پنج محور بزرگ شخصیتی را ارزیابی می‌کند. فرم کوتاه این پرسشنامه از ۶۰ ماده تشکیل شده که هر ۱۲ ماده آن یکی از پنج محور بزرگ شخصیت را اندازه‌گیری می‌کند. نمره گذاری این آزمون بر اساس طیف لیکرت است و به هر سؤال، بسته به پاسخ داده شده از ۱ تا ۵ نمره تعلق می‌گیرد. نمرات هر عامل جداگانه محاسبه می‌شود و در نهایت ۵ نمره به دست می‌آید که مربوط به پنج محور شخصیت (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی) است. کیامهر (۱۳۸۱) فرم کوتاه این پرسشنامه را بر روی نمونه‌ای با حجم ۳۸۰ نفر از دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران اعتباریابی کرد. همچنین، در پژوهش کیامهر برای تعیین روایی پرسشنامه پنج عاملی از روایی همزمان و تحلیل عاملی استفاده شد.

ضریب همبستگی حاصل از روایی همزمان بین فرم کوتاه و بلند این پرسشنامه بین ۰/۴۱ تا ۰/۷۱ به دست آمد. برای بررسی پایایی فرم کوتاه پرسشنامه

² General Health Questionnaire

¹ Neuroticism Extraversion Openness

و عواملی مانند آن استفاده شد. این پرسشنامه محقق

یافته‌ها

ساخته است. فرضیه ۱: ویژگی‌های شخصیتی با سرخوردگی

زناشویی زوجین رابطه دارد.

جدول ۱. خلاصه مدل رگرسیون رابطه سرخوردگی زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی

گام	متغیر	R	تغییرات R	R ²	تغییرات R ²	F	معناداری
۱	توافق پذیری	۰/۳۰	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۸	۱۹/۹۸	۰/۰۰۰
۲	برون‌گرایی	۰/۳۶	۰/۰۴	۰/۱۳	۰/۰۷	۱۵/۲۹	۰/۰۰۰

وظیفه‌شناسی از معادله حذف گردیده‌اند. معنی‌دار

بودن ضریب رگرسیون نشان می‌دهد که ویژگی

توافق پذیری در گام اول، به طور معنی‌داری ۹

درصد واریانس سرخوردگی زناشویی را پیش‌بینی

می‌کند ($P < ۰/۰۱$) و اضافه شدن برون‌گرایی به

معادله، قدرت پیش‌بینی را به طور معناداری تا ۰/۰۴

بالا می‌برد ($P < ۰/۰۱$). ضرایب بتا میزان رابطه را به

ترتیب ۰/۲۴- و ۰/۲۱- نشان می‌دهند.

فرضیه ۲: سلامت روان با سرخوردگی زناشویی

زوجین رابطه دارد.

جدول ۲. تحلیل رگرسیون گام به گام سرخوردگی

زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی

گام	متغیر	بتا	t	معناداری
۱	توافق پذیری	-۰/۲۴	-۳/۴۵	۰/۰۰۱
	برون‌گرایی	-۰/۲۱	-۳/۱۱	۰/۰۰۲

جدول ۱ ضریب همبستگی چندگانه بین

سرخوردگی زناشویی و ابعاد توافق پذیری و برون

گرایی را به ترتیب ۰/۳۰ و ۰/۳۶ نشان می‌دهد. نتایج

جداول (۱ و ۲) نشان می‌دهد که در گام اول توافق

پذیری و در گام دوم برون‌گرایی وارد معادله شده

است و ویژگی‌های روان رنجوری، تجربه‌گرایی و

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون رابطه سرخوردگی زناشویی و سلامت روان

گام	متغیر	R	تغییرات R	R ²	تغییرات R ²	F	معناداری
۱	اضطراب	۰/۳۲	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۰۹	۲۲/۹۴	۰/۰۰۰

متغیرهای نشانه‌های جسمانی، افسردگی و کارکرد

اجتماعی از معادله حذف گردیده‌اند. معنی‌دار بودن

ضریب رگرسیون نشان می‌دهد که متغیر اضطراب

به طور معناداری ۱۰ درصد واریانس سرخوردگی

زناشویی را پیش‌بینی می‌کند ($P < ۰/۰۱$). ضریب بتا

میزان رابطه را ۰/۳۲ نشان می‌دهد.

فرضیه ۳: عوامل زمینه‌ای (جنسیت، سن، میزان

تحصیلات، مدت ازدواج، وضعیت اقتصادی،

جدول ۴. تحلیل رگرسیون گام به گام سرخوردگی

زناشویی و سلامت روان

گام	متغیر	بتا	t	معناداری
۱	اضطراب	۰/۳۲	۴/۷۹	۰/۰۰۰

جدول ۳ ضریب همبستگی چندگانه بین

سرخوردگی زناشویی و اضطراب را ۰/۳۲ نشان

می‌دهد. نتایج جداول (۳ و ۴) نشان می‌دهد که در

گام اول متغیر اضطراب وارد معادله شده است و

وضعیت اشتغال، تعداد فرزندان، وضعیت خویشاوندی و نوع ازدواج) با سرخوردگی زناشویی زوجین رابطه دارد.

جدول ۵. خلاصه مدل رگرسیون رابطه سرخوردگی زناشویی و عوامل زمینه‌ای

گام	متغیر	R	تغییرات R	R ²	تغییرات R ²	F	معناداری
۱	مدت ازدواج	۰/۲۸	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۷	۱۷/۵۳	۰/۰۰۰
۲	وضعیت اقتصادی	۰/۳۲	۰/۰۲	۰/۱۰	۰/۰۴	۱۱/۹۰	۰/۰۰۰

جدول ۶. تحلیل رگرسیون گام به گام سرخوردگی زناشویی و عوامل زمینه‌ای

گام	متغیر	بتا	T	معناداری
۱	مدت ازدواج	۰/۳۲	۴/۶۷	۰/۰۰۰
	وضعیت اقتصادی	-۰/۱۶	۲/۴۱	۰/۰۱

رابطه دارد، ولی در ابعاد روان‌رنجوری، تجربه‌گرایی و وظیفه‌شناسی این رابطه معنادار نیست.

با آن‌که پژوهش‌های مشابهی که دقیقاً رابطه بین سرخوردگی زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی را سنجیده باشد، به دست نیامد، این نتیجه را می‌توان با نتایج پژوهش‌هایی که در زمینه‌های مشابه صورت پذیرفته است، مقایسه نمود. پژوهش کایزر (۱۹۹۳) که در آن به بررسی عوامل مؤثر بر سرخوردگی زناشویی پرداخت، نشان داد که ویژگی‌های نامطلوب و صفات شخصیتی منفی در همسر، یکی از علل بروز سرخوردگی در زوجین است. پژوهش‌های متعددی رابطه رضایتمندی زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی را به دست آورده‌اند. عبدالله‌زاده (۱۳۸۲) در پژوهشی به این نتیجه رسید که بین ویژگی برون‌گرایی و رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. عطاری و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهش‌های خود رابطه مثبت بین برون‌گرایی و توافق‌پذیری و رضایتمندی، زناشویی را نشان دادند. پورحسین و همکاران (۱۳۸۸) در بررسی رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت با رضایتمندی زناشویی به این نتیجه

جدول ۵ ضریب همبستگی چندگانه بین سرخوردگی زناشویی و متغیرهای مدت ازدواج و وضعیت اقتصادی را به ترتیب ۰/۲۸ و ۰/۳۲ نشان می‌دهد. نتایج جداول (۵ و ۶) نشان می‌دهد که در گام اول متغیر مدت ازدواج و در گام دوم وضعیت اقتصادی وارد معادله شده‌اند و سایر عوامل دموگرافیک (جنسیت، سن، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، تعداد فرزندان، نسبت، و نوع ازدواج) از معادله حذف گردیده‌اند. معنی‌دار بودن ضریب رگرسیون نشان می‌دهد که متغیر مدت ازدواج در گام اول به طور معناداری سرخوردگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند ($P < 0/01$) و اضافه شدن وضعیت اقتصادی به معادله، قدرت پیش‌بینی را به طور معناداری تا ۰/۰۲ بالا می‌برد ($P < 0/01$). ضرایب بتا میزان رابطه را به ترتیب ۰/۳۲ و -۰/۱۶ نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل نتایج تحقیق نشان داد که سرخوردگی زناشویی با برون‌گرایی و توافق‌پذیری

می‌شود فرد در تعاملات بین فردی، هیجان‌های خود را تنظیم کرده، رفتارهای ملایم‌تری از خود نشان دهد. همچنین، افراد توافق‌پذیر تضادهای ناشی از روابط بین فردی را با سهولت بیشتری حل می‌کنند که این مسأله باعث کاهش فراوانی و شدت رفتارهای تعاملی منفی می‌شود. بنابراین، افزایش همکاری و سازگاری میان زوجین حمایت بیشتری را برای هر فرد از جانب همسرش ایجاد می‌کند و فاصله عاطفی میان زوجین را کمتر می‌سازد و در نتیجه، سرخوردگی زناشویی را کاهش می‌دهد. برون‌گرایی نیز یکی دیگر از متغیرهای شخصیتی است که به‌طور گسترده در رابطه با رضایتمندی زناشویی بررسی شده است. افراد برون‌گرا اجتماعی، دوست‌دار دیگران، پرهیجان و قاطع در عمل و گفتار هستند و تمایل زیادی به فعالیت‌های گروهی دارند. با توجه به این‌که رابطه بین برون‌گرایی و سرخوردگی زناشویی معنادار و جهت آن منفی است و با در نظر داشتن این مسأله که عامل برون‌گرایی با تعاملات اجتماعی سروکار دارد، می‌توان نتیجه گرفت زوجینی که روابط بین فردی کمتری دارند، هنگامی که در رابطه زناشویی دچار مشکلی می‌شوند، آسیب‌پذیرتر بوده، سرخورده‌تر می‌شوند.

نتایج پژوهش نشان داد که سرخوردگی زناشویی با سلامت روان در بعد اضطراب رابطه معناداری دارد. یافته‌های کایزر (۱۹۹۳) نشان داد که در مقایسه زوجین سرخورده و غیر سرخورده، زوجین سرخورده احتمالاً درجه پایین‌تری از بهزیستی روانی را دارند. گورینگ و همکاران^۲ (۱۹۶۹)؛ به نقل از

رسیدند که توافق‌پذیری و برون‌گرایی رابطه مثبت معناداری با رضایتمندی زناشویی دارد. واتسون و همکاران (۲۰۰۰) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین دو عامل توافق‌پذیری و برون‌گرایی و رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. مید (۲۰۰۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که برون‌گرایی همبستگی قوی با رضایتمندی زناشویی دارد. لاوی و آدیتال^۱ (۲۰۰۴) معتقدند که تاثیر شخصیت بر روابط زناشویی به دو شکل صورت می‌گیرد: تاثیر فردی و تاثیر دوجانبه. در تاثیر فردی، ویژگی‌های شخصیتی فرد بر رضایتمندی خود وی از روابط زناشویی تاثیر می‌گذارد و در تاثیر دوجانبه، ویژگی‌های همسر بر رضایتمندی زناشویی فرد تاثیر می‌گذارد، بنابراین، یکی از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در ازدواج و روابط زناشویی ویژگی‌های شخصیتی است. همچنین، پژوهش‌های فراوانی بر «توافق‌پذیری» به‌عنوان یکی از تاثیرگذارترین ویژگی‌ها در روابط زناشویی تاکید دارند. همسران توافق‌پذیر ادراک‌های مثبت‌تری از یکدیگر دارند که به نوبه خود می‌تواند به رضایتمندی بیشتر و کاهش سرخوردگی منجر شود. توافق‌پذیری نشان‌دهنده ویژگی‌هایی مانند: همدردی نسبت به دیگران، کمک به آن‌ها و باور به اینکه دیگران نیز متقابلاً کمک کننده هستند، است (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). تمایل به انطباق علایق با دیگران، همراهی و یاری کردن دیگران، از دیگر ویژگی‌های بارز افراد توافق‌پذیر است. در تبیین قابل طرح برای متغیر توافق‌پذیری می‌توان گفت که میزان بالای توافق‌پذیری باعث

² Goering & etal

¹ Lavee & Adital

دل‌بستگی و تمایل کم به صمیمیت با همسر است و این عوامل رابطه قوی با بهزیستی روان‌شناختی دارند. آگاهی از این مسأله که رابطه به خوبی آنچه مورد انتظار است پیش نمی‌رود، احساس بی‌عدالتی و مورد سوء استفاده قرار گرفتن از جانب همسر، این احساس که همسران شما را درک نمی‌کند، اینها همه عواملی هستند که در نتیجه سرخوردگی در رابطه به وجود می‌آیند و به نتایج منفی همچون محرومیت، ناامیدی، افسردگی، اضطراب و خشم منجر می‌شوند. تبیین دیگر در بررسی رابطه سرخوردگی و سلامت روانی راهبردهای مقابله‌ای نادرست هنگام بروز مشکلات است که هرچقدر این شیوه‌های نامؤثر بیشتر به کار رود، احتمالاً استرس و نارضایتی بیشتری در روابط زناشویی به وجود می‌آید و رابطه دچار یک سرازیری مارپیچ می‌شود.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که سرخوردگی زناشویی با عوامل زمینه‌ای در دو بعد مدت ازدواج و وضعیت اقتصادی رابطه معناداری دارد.

این یافته مؤید پژوهش بنی‌جمالی و همکاران (۱۳۸۳) است که فقر اقتصادی و وابستگی مالی زوجین به والدین را از عوامل تهدید کننده زندگی مشترک زوجین جوان می‌دانند. بهرامی (۱۳۸۰) نیز یکی از عوامل مؤثر در بروز ناسازگاری زناشویی را فقر اقتصادی می‌داند. تبیین قابل طرح در مورد این متغیر آن است که میزان وضعیت اقتصادی بهتر، به رفع نیازهای سطح پایین‌تر منجر می‌شود و مسلماً چنانچه زوجین دغدغه‌های تامین نیازهای اولیه خود را داشته باشند، این مسأله بر تعاملات آن‌ها تأثیرات نامطلوبی بر جای می‌گذارد. زن و شوهری که تحت فشار اقتصادی هستند، به احتمال زیاد دارای

اشنايدر و ويسمن، ۲۰۰۴) دریافتند زوجینی که یکی از آن‌ها دارای اختلالات اضطرابی است، بیشتر دچار آشفتگی در روابط زناشویی خود می‌شوند. هاوکینز و بوت^۱ (۲۰۰۵) در پژوهش خود دریافتند که کیفیت پایین زندگی زناشویی، آشفتگی زناشویی و طلاق با افزایش آشفتگی روانی و کاهش سلامت روانی کلی همبستگی دارد. مویا^۲ (۲۰۰۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که زوجینی که همسرانشان دچار افسردگی هستند، سطوح پایین‌تری از سازگاری و رضایتمندی زناشویی را تجربه می‌کنند. پژوهش کارمیها^۳ (۲۰۰۸) نشان داد که افسردگی و اضطراب پیش‌بینی کننده‌ای قوی در کاهش رضایتمندی زوجین هستند. هیم و اشنايدر^۴ (۱۹۹۱) دریافتند که سرخوردگی زناشویی که به‌عنوان فاصله عاطفی و بیگانگی در ازدواج تعریف می‌شود، عامل پیش‌بینی کننده مهمی در افسردگی زوجین است.

اثرهای مخرب قطع رابطه زناشویی بر احساس بهزیستی فرد به طور کلی مشهود است. یافته‌های فراوانی نشان می‌دهد که به‌طور کلی بهزیستی روان‌شناختی افراد متأهل بسیار بهتر از افراد مجرد است. در مقایسه با افراد مجرد، افراد متأهل درجات پایین‌تری از درمان بیماری‌های روانی دارند و بهزیستی بالاتر و رضایتمندی کلی از زندگی و سلامت شخصی بهتری تجربه می‌کنند (هاف نر و میلر^۵، ۱۹۹۱). بنابراین، کیفیت رابطه صمیمی بر سلامت روان تأثیرگذار است. عواملی که سرخوردگی زناشویی را تعیین می‌کنند، شامل: فقدان توجه، فقدان

¹ Hawkins & Booth

² Moya

³ Karimiha

⁴ Heim & Snyder

⁵ Hafner & Miller

این که مسائل فرهنگی در زندگی زناشویی افراد تاثیر دارد، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در سایر شهرهای کشور توسط پژوهشگران انجام و نتایج آن با پژوهش حاضر مقایسه گردد.

منابع

بنی جمالی، ش؛ نفیسی، غ؛ یزدی، س. م. (۱۳۸۳). «ریشه‌یابی علل از هم پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگی‌های روانی - اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج» مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال یازدهم، شماره‌های ۱ و ۲، ۱۴۳-۱۷۰.

بهرامی، ب. (۱۳۸۰). مقایسه اثربخشی دو شیوه روان‌درمانی گروهی با روش‌های تحلیل روانی و شناختی بر روی ناسازگاری زوجین، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

پورحسین، ر؛ امیری، م؛ فرهودی، ف؛ احمد دوست، ح، و مال احمدی، ا. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین پنج عامل بزرگ شخصیت و الگوهای ارتباطی با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های دولتی شهر تهران» مجموعه چکیده مقالات پنجمین همایش مشاوره اسلامی، قم: مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی.

زحمتکش، ن. (۱۳۸۷). «رابطه شیوه‌های ابراز محبت به همسر با ویژگی‌های شخصی و دموگرافیک خانواده»، چکیده مقالات همایش منطقه‌ای ازدواج و خانواده، شهرکرد.

عبداله زاده، ح. (۱۳۸۲). «بررسی رابطه بین صفات شخصیتی و رضایتمندی زناشویی در زوجین

مشکلات بیشتری هستند و این عامل فشار تعارض‌ها و مشکلات آن‌ها را آشکارتر می‌سازد. فشارهای اقتصادی به تدریج تعارض میان زوجین را افزایش می‌دهد و گرما و صمیمیت رابطه کاهش یافته، رابطه بی‌ثبات می‌گردد. در ارتباط با متغیر مدت ازدواج نیز این یافته با پژوهش زحمتکش (۱۳۸۷) و لوینسون و همکاران (۱۹۸۵) مغایر است که پیوندهای زناشویی بلند مدت را در افزایش رضایتمندی زناشویی تاثیرگذار دانسته و معتقدند زوجینی که مدت بیشتری را با یکدیگر زندگی کرده‌اند، در مقایسه با زوجینی که مدت کمتری از زندگی مشترک آن‌ها می‌گذرد، تعارض کمتری نشان می‌دهند. منحنی رضایت زناشویی که مرتبط با چرخه زندگی خانوادگی است نشان می‌دهد که زوجین در دو مرحله از زندگی‌شان بیشترین رضایت را دارا هستند: در مرحله آغاز و ابتدای رابطه زناشویی و در مرحله انتهایی. در مرحله میانی نیز که خانواده با فرزندان کوچک و نوجوان مشخص می‌شود، این رضایت کاهش می‌یابد. با توجه به یافته‌های به‌دست آمده در این پژوهش، به نظر می‌رسد پیشنهادها زیر بتواند در جهت بالا بردن سطح کمی و کیفی تحقیقات بعدی در این زمینه مؤثر باشد. پژوهش‌های آینده فضایی برای بررسی علل و عوامل سرخوردگی زناشویی در اختیار دارند که باید به تعیین سهم عوامل اجتماعی، فرهنگی و مذهبی بر پیوندهای عاطفی زوجین پردازند.

پیشنهاد می‌شود زوجین سرخورده و غیرسرخورده بر اساس عوامل بررسی شده در این پژوهش مقایسه شوند. با توجه به این که این پژوهش در شهر اصفهان صورت گرفت و با در نظر گرفتن

- Duck, S. (1981). *Toward a research map for the study of relationship breakdown*. In S. Duck & R. Gilmour (Eds.), *Personal relationship 3: personal relationships in disorder* (pp. 1-29). London: Academic press.
- Goldberg, D. p., and Hiller, V. F. (1979). A scaled version of the Goldberg & Hiller Questionnaire. *Psychological Medicine*, 9, 139-145.
- Gottman, J.M. (1993). A therapy of marital dissolutions and stability. *Journal of Family Psychology*, 7, 57-75.
- Hafner, R.J., & Miller, R.J. (1991) Essential hypertension: Hostility, Psychiatric symptoms and marital stress in patients and spouses. *Psychotherapy and Psychosomatics*, 56, 204-211.
- Hawkins, D, N., & Booth, A. (2005). Unhappily ever after: effects of long- term, quality marriage on well-being. *Journal of Social Forces*, 84 -1 - 457- 471.
- Heim, S.C., & Snyder, D.K. (1991). Predicting depression from marital distress and attributional processes. *Journal of Marital and family Therapy*, 17 (1), 67- 72.
- Henry, R & Miller, r. (2004). Marital problems occurring in midlife: Implications for couples therapists. *The American Journal of Family Therapy*, 32 (5), 405-411.
- Karimiha, G. (2008). Actor-partner effects and the differential roles of depression and anxiety in intimate relationships: A cross-sectional and longitudinal analysis. California State University, Long Beach.
- Karney, B .R, & Bardbury, T.N. (1997). Neuroticism, marital interaction and the trajectory of marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 2, 1075-1092.
- Kayser, K. (1993). *When love dies: the process of marital disaffection*. New York London: The Guilford press
- Kayser, K. Kersten. (1988). Disaffection in marriage: Its perceived process and attributions. University of Michigan.
- Lavee, Y, and Adital, B. (2004). Emotional expressiveness and neuroticism: Do they predict married quality? *Journal of Family Psychology*, 78, 620-627.
- Lundblad, a. M. Hansson K. (2005). Relational problems and Psychiatric symptoms in شهر/دماغان» پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- عطاری، ی؛ امان‌اللهی فرد، ع، و مهرابی‌زاده، م. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز». *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ش ۱۳، ۸۱-۱۰۸.
- کیامهر، ج. (۱۳۸۱). *هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی NEO.F.F.I و بررسی ساختار عاملی آن (تحلیل تاییدی) در بین دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.*
- کیمیایی، ع و باقریان نژاد، ز. (۱۳۸۴). *درمان گام به گام مشکلات زناشویی، تهران: انتشارات رشد.*
- گروسی فرشی، م. (۱۳۸۰). *رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت، تبریز: نشر جامعه پژوه.*
- یعقوبی، ن؛ نصر، م ، و شاه محمدی، د. (۱۳۷۴). «بررسی همه‌گیر شناسی اختلالات روانی در مناطق شهری و روستایی صومعه سرا» *فصلنامه اندیشه و رفتار*. سال اول، ش ۴، ۵۵-۵۶.
- Booth, A., & Johnson, D. R., & Edwards, J.N. (1983). Measuring marital instability. *Journal of Marriage and the Family* , 45 (2) , 387-394.
- Costa, P. T. and McCrae, R. R. (1989). *The NEOPI /FFI: Manual supplement. Psychological Assessment Resources* , Odessa, FL.
- Donnellan, B. M. Conger, D. Bryant, C. (2004). The Big Five and enduring marriages. *Journal of Research in Personality*, 38, 481-504.

- couple therapy. *International Journal of Social Welfare*. 14, 256-264.
- Mead, N. (2005). Personality predictors of relationship satisfaction among engaged and married couples: An analysis of actor and partner effects. Master of Science. *Marriage Family and Human Development School of Family Life*, 1-11.
- Molavi, H. (2004). Validity, factor structure and reliability of the farsi version of general health questionnaire-28 in Iranian students. *Pakistan Journal of Psychological Research*, 17, 3-4.
- Moya, Q.J. (2005). Estudio del grado de adaptacion y satisfaccion conyugal en pacientes deprimidos. Universidad de Navarra (Spain).
- Watson, D., Hubbard, B. and Wiese, D. (2000). General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence from self- and partner- ratings. *Journal of Personality*, 68, 413-449.
- Whisman, M. A., & Uebelacker, L. A., & Weinstock, L. M. (2007). Psychopathology and marital satisfaction: The importance of evaluating both partners. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 27, 830-838.

Archive

Archive of SID

The Relationship between Personality Characteristics, General Health, Contextual Factors, and Marital Dissatisfaction of Couples

S. Koochi

M.A in family counseling, university of Isfahan, Isfahan, Iran

O. Etemadi

Associate Professor, family counseling, university of Isfahan, Isfahan, Iran

M. Fatehizadeh

Associate Professor, family counseling, university of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract:

Marital disaffection is the gradual loss of an emotional attachment, including a decline in caring about the partner, an emotional estrangement, and an increasing sense of apathy and indifference toward one's partner. The aim of this research was to determine the relation between personality characteristics, general health and marital disaffection. The research procedure was correlational. The populations were consisted of all couples in Isfahan (1388) with the age of marriage being at least three years. Subjects were 200 couples (100 male and 100 female) who were randomly selected using multi-stage cluster sampling. Research hypotheses were that personality characteristics, general health and contextual factors predict marital disaffection. The measures were comprised of Marital Disaffection Scale, Big-Five Factor Questionnaire (short form), General Health Questionnaire and Contextual Factors Questionnaire. Data were analyzed using pearson correlation method and step by step regression analysis. The results showed that there were significant relationships between marital disaffection and personality characteristics in subscales of extroversion and agreeableness and general health in the subscale of anxiety. Also there were significant relationships between marital disaffection and contextual factors in subscales of marriage duration and economical status. Finally with regard to the results some suggestions for decreasing of couple's marital disaffection were made.

Keywords: marital disaffection, personality characteristics, mental health, contextual factors